



## ماهنامه فرهنگ، اجتماع اسوه

مؤسسه فرهنگ قرآن و عترت اسوه تهران  
شماره ۹۵ / ماه ربیع الاول ۱۴۴۲ / صفحه ۱۲

# هفتاد و چهارمین شماره

### تقویم و روز شمار ماه ربیع الاول

- ۸ ربیع الاول: هجرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ليله المبیت (سال اول ه.ق)
- ۹ ربیع الاول: شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) (سال ۲۶۰ ه.ق)
- ۱۰ ربیع الاول: آغاز امامت حضرت ولی عصر (علیه السلام) (سال ۲۶۰ ه.ق)
- ۱۰ ربیع الاول: ازدواج حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) با خدیجه کبری (سلام الله علیها) (سال ۲۵ عام الفیل)
- ۱۲ ربیع الاول: قیام مختار در کوفه (سال ۶۶ ه.ق)
- ۱۷ ربیع الاول: ولادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) (سال اول عام الفیل). زادروز فرخنده امام جعفر صادق (علیه السلام) (سال ۸۳ ه.ق)
- ۱۳ آبان: تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام (۱۳۵۸ ه.ش) و روز دانش آموز
- ۱۳ آبان: تبعید حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) از ایران به ترکیه (۱۳۴۳ ه.ش)
- ۲۵ ربیع الاول: صلح امام حسن مجتبی (علیه السلام) (سال ۴۱ ه.ق)

- ◆ مقام معظم رهبری: وحدت؛ مصلحت الزامی امت اسلامی
- ◆ بیا قوی شویم
- ◆ سبک زندگی کوثری - سوره ناس
- ◆ مودت بین زوجین
- ◆ تربیت در محیط خانواده
- ◆ شهید «احمد کاظمی» از قاب اسوه
- ◆ ترک حسد و تندرستی
- ◆ وحدت جامعه جهانی، زمینه شکل گیری حکومت امام زمان (علیه السلام)
- ◆ سرسخت با دشمنان، صمیمی با دوستان
- ◆ عهد با امام

# وحدت؛ مصلحت الزامی امت اسلامی

امروز مانند همیشه و بیش از همیشه، مصلحت الزامی امت اسلامی، در وحدت است؛ وحدتی که ید واحده در برابر تهدیدها و دشمنی‌ها پدید آورد و بر سر شیطان مجسم، آمریکای متجاوز و غدار و سگ زنجیری‌اش رژیم صهیونیستی، رعدآسا فریاد کشد و در برابر زورگویی‌ها، شجاعانه سینه سپر کند.

این معنی فرمان الهی است که فرمود: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳). قرآن حکیم، امت اسلامی را در چهارچوب «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (سوره فتح، آیه ۲۹) معرفی می‌کند، و از او وظیفه «وَلَا تَرْتَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» (سوره هود، آیه ۱۱۳)، «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (سوره نسا، آیه ۱۴۱)، «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» (سوره توبه، آیه ۱۲) و «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءَ» (سوره ممتحنه، آیه ۱) را می‌طلبد، و برای اینکه دشمن را مشخص کند، حکم «لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ» (سوره ممتحنه، آیه ۸) صادر می‌فرماید.

این فرمان‌های مهم و سرنوشت‌ساز، هرگز نباید از منظومه فکری و ارزشی ما مسلمانان جدا مانده و به دست فراموشی سپرده شود.

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا

توبه باشد، ولی به خود این حالت توبه نمی‌گویند. توبه آن عادت خوبی که بعضی‌ها بعد از هر گناهی استغفاری انجام می‌دهند هم نیست. این کار خوب است و مورد سفارش، ولی به این کار توبه نمی‌گویند. بلکه توبه، انقلاب قواهای عالی وجود است علیه قواهای دانی وجود. مسلط کردن «تیروهای عالی وجود» است بر «تیروهای دانی» وجود. اینک قرآن می‌فرماید: «لَنْ اللَّهُ يُجِبَ التَّوْبَةَ»؛ یعنی خدا «مسلط»ها را دوست دارد.

مسلط یعنی انسانی که دارای قوت روحی شده است و در کشاکش حوادث روزمره مغلوب قواهای دانی وجود نمی‌شود. از قواهای دانی استفاده می‌کند، ولی تسلیم آن‌ها نمی‌شود و این قدرت روحی محصول توبه‌ای است که هر روز و هر لحظه باید انجام داد.

پس وقتی به ما می‌گویند بیا توبه کن؛ در واقع یعنی بیا قوی شو. خدا «قوی‌تر شدن» ما را دوست دارد. ■

«انسان» جامد نیست، گیاه نیست، حیوان نیست، فرشته نیست؛ «انسان»، انسان است؛ سرشار از نیروهای رحمانی. نیروی عقل و غضب و شهوت و وهم. هیچ نیروی شیطانی در انسان خلق نشده است. نیروهای شیطانی درون انسان همان نیروهای رحمانی هستند که از «مدار اصلی» خود خارج شده‌اند.

خدای متعال خیر محض است و از خیر محض جز خیر صادر نمی‌شود. پس برخلاف تصور اولیه نه شهوت بد است، نه غضب و نه وهم. این‌ها نعمت‌های خدادادی هستند که استفاده به‌جا و به اندازه از آن‌ها مایه رشد و تکامل انسان می‌شود؛ پس نباید به چشم نیروهای منفی به آن‌ها نگاه کرد. اسلام برخلاف بسیاری از مکاتب و بر اساس یک نگاه بینانه نه قائل به رهاکردن این قواها و نه قائل به تعطیل کردن این قواها است. اسلام می‌گوید نه رها، نه تعطیل؛ بلکه تعدیل. نه افراط، نه تفریط؛ بلکه اعتدال. لذا اگرچه استفاده به‌جا و به اندازه از این قواها مایه رشد و تکامل انسان می‌شود، ولی اگر همین‌ها از مرز تعادل خارج شوند و در دره افراط و تفریط قرار بگیرند مایه نابودی انسان خواهند شد.

### توبه مانع از این نابودی است.

برخلاف آنچه اغلب تصور می‌کنند توبه لزوماً به معنای بازگشت از گناه نیست؛ بلکه توبه یعنی بازگشت، یعنی تغییر؛ منتها یک تغییر هدفمند انسانی. به چه معنا؟

استاد مطهری بیان می‌کند انسان یک موجود ترکیب‌یافته از عقل و غضب و شهوت و وهم است و به‌عبارتی دارای دو بُعد حیوانی و انسانی است که در بدو تولد حیوانیت او بالفعل است و انسانیت او بالقوه. و این انسان است که به مرور زمان و به تدریج و با انتخاب خود باید تغییر هدفمندی را در خودش رقم بزند تا آنچه در وجود او حاکم می‌شود مظاهر قواهای عالی باشد، نه مظاهر قواهای دانی. انسانیت باشد، نه حیوانیت. این است که ائمه معصومین هم به حکم بشر بودن اهل توبه بودند و این توبه ناشی از خطا و گناه نیست؛ بلکه به دلیل همان غلبه‌دادن قواهای عالی بر قواهای دانی است. لذا گفتیم توبه نیاز انسان است نه فقط گناهکارها. گناهکار هم اگر به توبه محتاج‌تر است به دلیل این است که هر گناهی گناهکار را در حیوانیت خودش فرو می‌برد.

شهید مطهری توبه را از سنخ انقلاب می‌داند نه یک حالت یا یک عادت. ایشان قائل است توبه صرفاً نه یک حالت خوب است و نه یک عادت خوب، بلکه توبه یک انقلاب مقدس درونی است. انقلاب قواهای عالی وجود علیه قواهای دانی وجود. توبه آن حالت خوش‌معنوی که گاهی به انسان دست می‌دهد نیست. شاید این حالت، زمینه‌ساز



# سبک زندگی کوثری

## (سوره ناس)

دکتر زهرا خلخالی

zmnyhi@gmail.com

در سبک زندگی کوثری، هرگونه تعامل علمی - پژوهشی با قرآن در اسوه حسنه نبوی، از سوره ناس آغاز می‌گردد، گویا خداوند مهر و رحمت، با «ناس» آغاز کلام نموده ولی برای اینکه انسان خود را گم نکند، می‌فرماید: «رب الناس، ملک الناس و اله الناس»، و ناس را طرح می‌فرماید نه انسان را! تا بفرماید خدا همانقدر که خدای توست، خدای دیگران هم هست.

اولین سوره با «قل» آغاز می‌گردد تا از همان ابتدا، تبعیت و ولایت را ترسیم و تأکید نماید. «قل» یعنی بگو «اعوذ»؛ نه یه کلام کمتر و نه افزونتر، در حقیقت گفتن ساده این سوره با استعاذهی آغازین آن، ناس را از مهلک‌ترین شر که در وجود خود اوست، تعویذ می‌نماید، آن‌هم در دنیایی که بیشتر درگیری‌ها و مشکلات بشر از درون خود انسان نشأت می‌گیرد. سر دادن «اعوذ» ابتدا به «رب» که هم تربیتش نماید و هم بحث ربوبیت را برای همیشه بعنوان پروردگاری که متکفل همه امور وی است، بیان فرماید؛ بسیار اهمیت دارد چراکه مصیبت‌های ناس از زمانی آغاز گردیده که ریش دوتا و سه‌تا و صدتا شد و کم‌کم ملائک و آنگاه اله‌ها و سپس بت‌ها و پادشاهان و امیران... ربوبیت وی را عهده‌دار شدند، لذا در آغاز باید بدانند که فقط و فقط یک رب دارد که مالک و الهش نیز هست و تا وقتی که رب و ملک و الهش یکی نشود، استعاذه صحیح و مؤثر اتفاق نخواهد افتاد، مثلاً پادشاهی که مسجد می‌سازد، می‌خواهد خرج رب ناس را از ملک ناس جدا سازد و یا برخی عرفا، خرج ملک ناس و رب ناس را از اله ناس جدا می‌کنند! و یا بنده‌ای که مثلاً ربّ وی، همسر اوست و مالکش رئیس وی است و یک الهی هم محض عبادت دارد، هرگز نمی‌تواند به‌وی تعویذ جوید و در پناه بردن به او از شر نفس و سوسه‌گرش، دقیقاً توّسل و توکل و تعبّد و امید جوید.

**وسواس خناس** در این سوره، نقطه ثقلی است که با تکرار «یوسوس» قلب «صدور الناس» را نشانه می‌رود، لذا برای مقابله با این شرّ اکبر، «اعوذ» شدن به پروردگاری که مالک همه چیز انسان است، حیاتی است، ولی سوره‌ی زوجش فلق، برای استعاذه از شرور همه عالم، «رب الفلق» کفایت می‌کند و این اهمیت نفس خناس است که مراقبتی ویژه می‌طلبد که با پناه‌بردن مستمر به خداوند حاصل می‌گردد و به سهولت با قرائت هر روزی این سوره، این مصونیت تحقق عملی می‌یابد. آورده‌اند زاهدی همواره آرزوی دیدن خناس خود را داشت، شبی او را در خواب دید و به سختی مچش را گرفت آنچنان که از خواب بیدار شد و دید مچ دست خودش را گرفته است! فلذا پر واضح است که انسان در آغاز مسیر هدایت، باید ابتدا نفس خویش را تهذیب نماید و نسبت به آن با استعاذه به خداوند، مراقبه و محاسبه نماید.<sup>۱</sup>

شایان ذکر است در این سوره شش آیه‌ای، پنج بار «ناس» تکرار شده که می‌توان در طول «اعوذ» شدن به خدا، به پنج انسان خاص (پنج تن آل عبا) نیز توّسل جست تا در این امر مدد فرمایند. ■

۱. با بهره‌مندی از کتاب تفسیر ترتیبی قرآن کریم، تفسیر سوره به سوره قرآن کریم، (دفتر اول: ناس تا قدر).

### سوره کریمه ناس

#### ترتیب از آغاز:

۱۱۴

#### ترتیب از پایان:

اولین

#### تعداد آیات:

شش آیه و مکی

#### پایان آیات ناس:

ناس (۵بار) و خناس (۱بار)

#### سوره زوج:

فلق

#### گروه:

معوذات و قلاقل (۵قل)

#### محور موضوعی:

پناه بردن به خداوند از شر

وسواس خناس درونی

#### نعت:

#### اعوذ:

از ریشه «عوذ» پناه‌بردن

#### وسواس:

حدیث نفس به چیزی با

صوت خفی

#### خناس:

پنهان از نظر و در آمد و شد

مکرر

#### فضیلت قرائت:

#### امام باقر(ع):

قرائت معوذات در نماز وتر به

قبولی بشارت داده شده است.

# مودت بین زوجین

دکتر ندا ایللیات

قسمت دوم

محبت و دوستی یک انسان به انسان دیگر اثر می‌گذارد و رفتار و عملکرد آن شخص را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بسیار دیده شده است که انسان به دلیل محبت به یک شخص، حساسیت‌های خودش را در وظایفی که به گردن دارد؛ یا کم می‌کند یا تعهد خودش را در مقابل خدا و خلق زیر پا می‌گذارد. این نوع محبت‌ها باعث نوعی تساهل و تسامح نابجا می‌شود و راه را برای خیلی از مسائل و مشکلات باز می‌گذارد.

بهترین نمونه این محبت‌های افراطی، زمانی است که این محبت در اولویت‌های اصلی خودش قرار نمی‌گیرد. مثلاً محبت خانم به همسرش تحت‌الشعاع محبت افراطی به فرزندانش می‌شود و مادر به دلیل این عشق و دلبستگی به فرزندانش حاضر می‌شود که چشم بر حقایقی ببندد و خیلی از انحرافات و مشکلات رفتاری و کرداری فرزندان را نبیند. تا جایی که این محبت کار دست والدین می‌دهد و والدین برای خدمت‌رسانی بیشتر، سطح فعالیت‌ها و تلاش‌های‌شان را بیشتر می‌کنند تا بتوانند به آرامش قرآنی که همه هم به دنبال آن هستند، برسند؛ اما می‌بینند که روز به روز از این قضیه دور و دورتر می‌شوند.

خداوند در سوره سبأ، آیه ۳۷ می‌فرماید: «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جِزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَ هُمْ فِي الْعُرْفَاتِ آمِنُونَ». این آیه به وضوح اشاره می‌کند و یکی از پیام‌های مهمش این است که نقش فرزندان در زندگی ما چقدر است.

خیلی از پدرها و مادرها برای تحصیل و ازدواج و جهیزیه و عروسی بسیار دغدغه دارند، اما وقتی همه این‌ها مهیا می‌شود باز به آرامش نمی‌رسند؟

پاسخ مشخص است. قرآن کریم در سوره روم، آیه ۲۱ اشاره می‌کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا». می‌فرمایند «ازواجاً»

نمی‌فرمایند «اولاداً». این یعنی در زندگی زناشویی، محبت و مودت، در درجه اول باید متوجه همسر شود و این روند باید حتی بعد از ازدواج فرزندان هم ادامه پیدا کند.

اولویت‌ها لحظه به لحظه باید در زندگی حفظ شود. این را خدای متعال از انسان‌ها

می‌خواهد. این کلید اصلی سکینه و آرامش است که با آن به کمال خواهد رسید. خصوصاً اگر

خانم کاری کند که همسرش متوجه شود که اولویت با او است و عشقش را لحظه به لحظه به او نشان

دهد، واقعاً نتیجه تعجب‌آوری به دست خواهد آمد که چه بسیار مسائل مربوط به همسررداری و مشکلات

تربیتی که بن‌بست شده به راحتی بن‌باز می‌شود.

اگر همسر شما به شما نیاز دارد و فرزندتان هم به شما نیاز دارد، اینجا اولویت با همسر است. هیچ چیز مهم‌تر از نیاز همسر در زندگی نباید باشد. این خصیصه‌ای است که هر زوج خوشبخت باید به آن اهمیت بدهد. بنابراین نه والدین و نه فرزندان، نه دوستان، نه همکاران، یا هر سرگرمی که مادر زندگی داریم هرگز نباید اولویت‌شان حتی به همسر نزدیک شود.

آرامش، اختصاص به روح و جان انسان دارد و تا روح آرامش نداشته باشد، جسم هم آرامش نخواهد داشت. در حقیقت این خداوند متعال است که چنین اراده نموده تا هر لحظه این سکینه و آرامش را به قلب مؤمنین که در نظام زوجیت قرار گرفته‌اند، نازل و حاکم کند و شیرینی آن را به آن دو بچشاند. فرزندان نیز از این سامانه الهی و روحانی به طور طبیعی برخوردار می‌شوند و با الگوپذیری از پدر و مادر مؤمن و عاشق به یکدیگر علاقه‌مند به ازدواج می‌شوند و خود را آماده ایفای هرچه بهتر نقش همسری در زندگی زناشویی می‌کنند تا دنیا و آخرت‌شان را با یکدیگر آباد و پر رونق کنند.

اگر همسران این محبت و مودت را از جایگاه اصلی خود خارج نمایند و از حقیقت آسمانی آن غافل شوند دچار به هم ریختگی، بی‌نظمی و نوعی سرگردانی در زندگی خواهند شد. ■

# تربیت در محیط خانواده

آیت الله مجتبی تهرانی

قسمت چهاردهم

## ریشه پاکدامنی حیاست

می گوید: عفت، پاکدامنی! بسیار خوب، ریشه عفت چیست؟ عفت از شاخه های حیاست. علی (علیه السلام) می فرماید: «سَبَبُ الْعِفَّةِ، الْحَيَاءُ»؛ سبب پاکدامنی حیاست.

آنچه موجب پاکدامنی می شود، عبارت از پرده داری است، حیا است. حتی حضرت یک موازنه می کند بین این ها و می فرماید: «عَلَى قَدْرِ الْحَيَاءِ، تَكُونُ الْعِفَّةُ»؛ پاکدامنی به مقدار حیا و پرده داری است.

چون حیا جنبه کمی ندارد و مربوط به روح است، جنبه کیفی دارد، شدت و ضعف دارد. هر چه حیا شدیدتر باشد، و پدر و مادر روی آن کار کنند، عفت و پاکدامنی او بیشتر می شود.

فرزند به مقدار حیایش، پاکدامنی پیدا می کند.

اینکه عرض کردم در تربیت آنچه نقش زیربنایی دارد حیا است؛ این است. در روابط گوناگون هم

مطرح است که من الآن وارد این فضای محدود خانوادگی شدم، پدر و مادر باید دنبال این باشند که از همان

کوچکی، مراقبت کنند که این پرده الهیه، این حیا که یک پوشش الهی بر روی روح انسان است و هر انسانی

هم دارد، دریده نشود. باید روی آن کار بکنند تا شکوفا شود.

همه ما از نظر نهادمان موحد هستیم، اما بحث چیست؟ اگر روی آن کار کنیم می رود بالا، کار نکنی از بین می رود؛ استعداد است، در وجود فرزند هست.

## اختلاف پسر و دختر، خیانت به جامعه

گاهی یک سنخ امور را مطرح می کنند که مثلاً اختلاط پسر و دختر چه اشکالی دارد؟ ببینید چه جنایتی را این ها نسبت به جامعه دارند مرتکب می شوند! من روایت خواندم ده سال تمام شد، یک وقت نشود این ها با هم رابطه تنگاتنگ این گونه پیدا کنند. در خلوتگاه والدین بی اجازه وارد نشود! به این سن می رسد، وقتی به بستر می رود، با هم جنس خودش در یک جا نخواهد! یک وقت اشتباه نکنید! اول فرمود: «الْصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ»، دوم جدا کرد. نه دختران در یک بستر بخوابند و نه پسران!

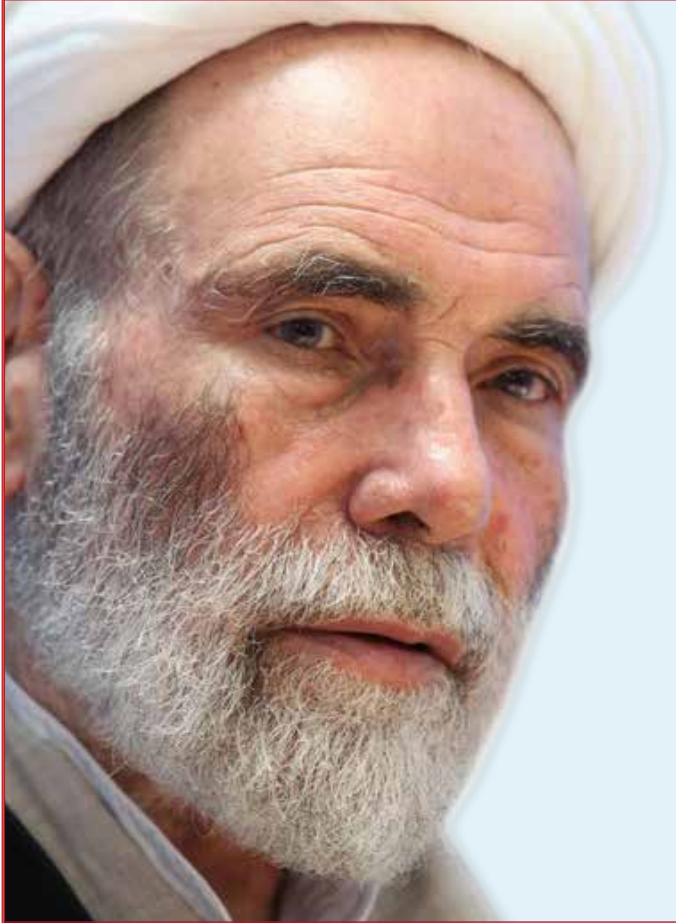
نترسید که می گویند: فلانی سنتگرا است. بله افتخار من این است که سنتگرا هستم! چون پیغمبر من سنتگرا است. من تابع او هستم. تابع سنت انسانی و الهیه ام. نه سنت حیوانیه روشن فکر مآبانه!

پیغمبر هر چه می گوید وحی است که به او شده است. آنچه که در این باب می گوید، با فطرت انسانیت همسو است. ملاصدرا می گوید: مسئله حیا غریزه ای انسانی است. ما به الامتیاز انسان از حیوان است. بت پرست هم خجالت می کشد، اکتسابی نیست. تو از خدایت خجالت نمی کشی؟

«أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»؛ آیا نمی داند که خدا می بیند؟

مسئله این است که انسان - نگاه کنید! انسان! - اگر خواهد انسانیتش را حفظ بکند، باید پرده دار باشد. پرده داری، انسان را از وادی انسانیت، دور می کند. شخص را بیرون می کند. ■

ادامه دارد...





## شهید «احمد کاظمی» از قاب اسوه

# آنان که وامدارشان هستیم

### اعظم خوبرو

علامه شهید مرتضی مطهری (ره) درباره کلمه «سیره» می‌فرماید: سیر یعنی رفتن، اما سیره به معنای نوع و سبک راه رفتن است.

آنچه به ما توصیه شده در باب الگوبرداری‌ها و عمل کردن‌ها، شناختن سبک پیغمبر (و بزرگان دین) است.

سوالی که باید باید باید از خود پرسیم این است که: چرا باید سیره معصومین، اولیا و شهدا را دانست؟ آیا چون فقط زیباست و با فطرت ما هماهنگ است؟ آیا دانستن سیره به ما انگیزه عمل در زندگی می‌دهد؟ آیا سیره‌ها را بدانیم تا فقط گاهی نقل قولی زیبا برای سخنوری و جذب مخاطب داشته باشیم؟

آنچه قرآن در این باب از ما مطالبه دارد چیست؟ می‌فرماید: «لکم فی رسول الله اسوة حسنة...»

**در این شماره از منش و رفتار یکی از شهدای والامقام، شهید احمد کاظمی از زبان هم‌زمانش می‌نویسم؛ این‌شاءالله الگویی عمل ما باشند.**

بچه‌های جنگ از احمد کاظمی زیاد دیده و شنیده‌اند. او یکی از فرماندهان بزرگ جنگ بود. همیشه در خطرناک‌ترین موقعیت‌ها حاضر بود. گاهی جلوتر از نیروهایش...

دوازده سیزده ساله بود. سن پدر بالا بود. نمی‌توانست کار سنگین نجاری بکند. کارها افتاد رو دوش احمد؛ نگذاشت آب از آب تکان بخورد. تنهایی مغازه را سرپا نگه داشت. مشتری‌ها کم نشدند. درس هم می‌خواند. کار هم می‌کرد...

بعد از آن، اول رفت لبنان؛ آموزش چریکی دید؛ بعد کردستان، تا جنگ شروع شد. دیگر وقف جبهه و جنگ بود. یک جا بند نمی‌شد.

زمان جنگ، در جبهه رفتارش دیدنی بود؛ بین ما و عراقی‌ها بعضی جاها حدود ۶۰۰، ۷۰۰ متر بیشتر فاصله نبود. می‌گفت: «باید خاکریز بزنیم.» احمد با اینکه فرمانده جبهه فیاضیه بود، خودش تا صبح می‌نشست بغل دست لودرچی‌ها که دلگرم شوند، کارشان را بکنند.

بعد از عملیات بیت‌المقدس قرار بود نیروها را بفرستد مرخصی. یک عالم کار داشت. وسط سوله فرماندهی، روی سکو نشست. برگه مرخصی نیروها را یکی یکی با دست خودش نوشت و راهی‌شان کرد. بچه‌ها از این کار حساسی کیف کردند. این بهترین قدردانی فرمانده از کار بزرگ‌شان، «فتح خرمشهر» بود. وقتی اوضاع جزیره به هم ریخته بود، محسن رضایی و صیاد شیرازی پیگیر بودند که احمد را بکشند عقب. پیغام داد: «من عقب برو نیستم، اینجا می‌مونم، می‌جنگم، یا جلوی عراقی‌ها را می‌گیرم یا همین جا شهید می‌شم.»

زمانی که فرمانده نیروی هوایی سپاه بود، رفته بود از یکی از پایگاه‌های نیروی هوایی بازدید کند. فرمانده پایگاه سفارش داده

بود برای او و همراهانش از بیرون غذا بگیرند. فرمانده پایگاه را تویخ کرد، به غذا هم لب نزد.

با اینکه دوست صمیمی بودیم، تا روزی که شهید شد نمی‌دانستم این قدر مجروح شده و بدنش پر از زخم و جراحت است. یکبار نگفت که ترکش به سرم خورده، به صورتم خورده، شیمیایی شدم. خدا شاهد است هیچ‌وقت نمی‌گفت. زمانی که زلزله بم اتفاق افتاد، همان روز اول زلزله خودش را به فرودگاه بم رساند. بیش از ده هزار مجروح را به بیمارستان‌های تهران، کرمان، اصفهان و سایر شهرستان‌ها رساند و جان هزاران نفر را نجات داد. او قهرمان گمنام بم بود. سه شبانه‌روز ماند. بعداً فهمیدیم توی آن سه روز یک لحظه هم نخوابیده بود. یک شب تهران ماند و دوباره رفت.

وقتی از همسایه‌ها که همکارش بودند؛ شنیده بودم به همین زودی می‌شود فرمانده نیروی زمینی سپاه، چند بار ازش پرسیدم طفره رفت و حرفش را عوض کرد. شبی که حکمش را از تلویزیون خواندند، بهش گفتم: «چرا نگفتی؟» گفت: «مگه فرقی می‌کنه؟ مهم اینه که بتونم خدمت کنم. این مقام‌ها مثل یک ورق کاغذ زیر پا می‌مونه. اگه به روزی برکنارم کنند انگار یک ورق کاغذ رو از زیر پام کشیدند. هیچ احساسی ندارم. فقط باید بتونم بهتر خدمت کنم. همین.»

اخلاص، دوری از خودنمایی، شجاعت، برای خلق گذشت و در کل، گذر از خود برای خدا سیره شهیداست. باشد که رنگ پذیریم و مثل آن‌ها شویم... ■

# ترک حسد و تندرستی

آیت الله مکارم شیرازی

وَقَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ):

«صِحَّةُ الْجَسَدِ، مِنْ قِلَّةِ الْحَسَدِ..»

(نهج البلاغه، حکمت ۲۵۶)

الْفَلَقِ ... وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمَنْ شَرَّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ.»  
قرآن انگیزه بسیاری از کارهای زشت دشمنان را حسد می‌شمارد: «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ؛ بَسْيَارِي از اهل کتاب، از روی حسد - که در وجود آن‌ها ریشه دوانده - آرزو می‌کردند شما را پس از اسلام و ایمان، به حال کفر بازگردانند؛ با اینکه حق برای آن‌ها کاملاً روشن شده است.»  
در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم که می‌فرماید: «أَفَةُ الدِّينِ الْحَسَدُ وَالْعُجْبُ وَالْفَخْرُ؛ آفت دین انسان، حسد، خودبینی و فخر فروشی است.» در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ؛ حسد، ایمان انسان را می‌خورد همان‌گونه که آتش، هیزم را می‌خورد و نابود می‌کند.»

می‌دانیم حسد عبارت از این است که انسان نمی‌تواند نعمت‌هایی را که خدا به دیگران داده ببیند و تحمل کند و پیوسته زوال آن نعمت‌ها را آرزو می‌کند، بنابراین او در واقع به حکمت خدا اعتراض دارد همان‌گونه که در حدیثی از رسول خدا می‌خوانیم که خدای متعال به موسی بن عمران (علیه السلام) فرمود: «يَا ابْنَ عَمْرَانَ لَا تَحْسُدَنَّ النَّاسَ عَلَى مَا آتَيْتَهُمْ مِنْ فَضْلِي وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى ذَلِكِ وَلَا تَتَّبِعْهُ نَفْسَكَ فَإِنَّ الْحَاسِدَ سَاخِطٌ لِنَعْمِي صَادٌّ لِقَسَمِي الَّذِي قَسَمْتُ بَيْنَ عِبَادِي وَمَنْ يَكُ كَذَلِكَ فَلَسْتُ مِنْهُ وَلَيْسَ مِنِّي؛ ای فرزند عمران! به مردم درباره آنچه از فضل من به آن‌ها داده‌ام حسادت مکن و چشم به آن‌ها مدوز و نفس تو به دنبال آن نرود، زیرا حسود در واقع دشمن نعمت‌های من است و مانع از قسمتی است که بین بندگانت کرده‌ام و هر کس چنین باشد من از او نیستم و او هم از من نخواهد بود.» ■

امام (علیه السلام) در این کلام کوتاه و پرمعنا به نکته‌ای دقیق از نظر روانشناسی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «تندرستی، از کمی حسادت است.» می‌دانیم رابطه روح و جسم به قدری زیاد است که هرگونه ناراحتی که در روح ایجاد شود آثاری در جسم به جای می‌گذارد؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از بیماری‌های جسمانی هیچ عاملی جز ناراحتی روح ندارند؛ زخم معده به گفته پزشکان در بسیاری از موارد، ناشی از استرس‌ها و نگرانی‌هاست، بیماری‌های مغز و اعصاب، سگکته‌های قلبی و مغزی و دردهای عضلانی در بسیاری از موارد از ناراحتی‌های روحی سرچشمه می‌گیرند.

حسد در میان بیماری‌های روحی یکی از بدترین آن‌هاست؛ حسد گاه چنان شخص حاسد را ناراحت می‌کند که نه روز استراحت دارد و نه شب و در آتشی که خود در درون خود برافروخته می‌سوزد و آثارش در بدن او روزبه روز نمایان‌تر می‌شود. خطیب؛ در مصادر کلامی از یکی از روانشناسان معروف به نام پیترو اشتاینکرون نقل می‌کند که خلاصه‌اش چنین است: ممکن نیست انسان زندگی سعادت‌مندان‌های داشته باشد در حالی که حسد در درون جانش رخنه کرده است. حسد تمام مجاری حیات را مسموم می‌کند. بسیاری از بیماری‌های خونی به خصوص زخم معده ناشی از حسد است؛ هر کجا زخم معده‌ای یافتید تحقیق کنید ببینید، در ریشه‌های آن حسد وجود دارد. حسد شبیه افسونگری است که دارای سه سر باشد که هرگاه یکی از آن‌ها در جایی نمایان بشود دو تا دیگر نیز نمایان می‌شوند و حسد در میان آن‌ها قرار دارد؛ هر جا حسد پیدا شد کینه و تعصب در کنار آن خواهند بود. در قرآن مجید و روایات اسلامی نیز مطالب فراوانی درباره نکوهش حسد دیده می‌شود؛ از جمله خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که از شرّ حاسدان به او پناه برد «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ



# وحدتِ جامعه جهانی، زمینه شکل‌گیری حکومت

امام زمان (علیه السلام)

آیت‌الله صافی گلپایگانی

ولی در هر صورت سرانجام ستمگران نابود می‌شوند و پیروزی با اهل حق است (چرا که افکار جهانیان در حال بیداری و توجه به حقیقت است).

دیوارها و فاصله‌های جغرافیایی و فرهنگی، فکری یکی پس از دیگری از میان برداشته می‌شود و شرک به مظاهر گوناگونش که در اجتماعات متعدد و مختلف به صورت وطن پرستی، نژادپرستی، فرد پرستی جلوه دارد به توحید تبدیل می‌شود و سرانجام، آن موحد حقیقی یگانه، وارث ابراهیم بت شکن، فرزند عزیز پیامبر، امام زمان (علیه السلام)، حق و عدالت را در جهان استقرار می‌دهد.

آینده هر چه بشود، هر چه اتفاق افتد، جنگ یا صلح، به سوی این هدف، نزدیک‌تر و نزدیک‌تر خواهد شد (چرا که خداوند عزوجل جهان را بیهوده نیافریده و مسیر کلی حرکت بشر را به سوی آنچه خود می‌خواهد و به صلاح بندگان خویش است جهت می‌دهد؛ لذا خاندان رسالت (علیهم السلام) این جهت‌گیری و هدف نهایی را چنین بیان فرموده‌اند که: وقتی حضرت قائم (علیه السلام) قیام فرماید، زمینی باقی نمی‌ماند مگر آنکه در آن ندا می‌شود به شهادت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ».

در این نظام که امامی معصوم در رأس آن قرار دارد هم قوانین و هم حاکم جامعه و هم قوه مجریه، هیچ‌گاه از طریق عدل منحرف نمی‌گردند. و این از مشخصات این نظام است که استقرار آن، عدل مطلق و خیر و احسان برقرار می‌کند و اموال و مواد مورد نیاز و مشاغل و مناصب را به قسط و عدل توزیع و تقسیم می‌نماید و غرائز فطری و جسمی انسان را اشباع و سرکشی آن‌ها را مهار می‌کند چنانکه به این مطلب بعضی آیات و احادیث نظر دارند مانند این آیه شریفه که خدای تعالی می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ». (سوره حج، آیه ۴۱) ■

اجتماعات دنیا همواره در تحول و تغییر است و اوضاع اجتماعی ملل دائماً عوض می‌شود؛ روابط بین ملل پیوسته در حال توسعه و گسترش است. از زندگی و اجتماع خانواده به اجتماع قبیله و از اجتماع قبیله به اجتماع منطقه‌ای و کشوری و بالأخره به اینجا رسیده است که وحدت جهانی جامعه را مطرح کرده است.

امت اسلام، امت واحده است و همه باید خدا را پرستش نمایند. قرآن برای همه مردم جهان نازل شده و کعبه اولین خانه‌ای است که برای مردم بنیان گذاشته شده است و پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای جهانیان فرستاده شده است و امامت نیز که زمامداری و تنظیم و تدبیر امور جامعه است، پیشوایی و رهبری مردم و جوامع بشری است.

جهان یک خدا دارد و لذا دارای نظامی واحد است. جامعه نیز باید واحد باشد؛ یعنی خدا در آن حاکم باشد و با نظام الهی و قانون الهی، به سوی خدا حرکت کند.

عقیده به ظهور بقیة الله الاعظم (علیه السلام)، یعنی عقیده به محقق شدن حکومت جهانی بر اساس عدل و حقیقت. هر کس چنین عقیده‌ای دارد، هیچ‌گاه برای نفع یک جامعه، جامعه دیگر را استثمار نمی‌کند و برای سیاست یک گروه، گروه‌های دیگر را برده خود نمی‌سازد و برای خاطر نژادی، نژاد دیگر را از حقوق انسانی‌اش محروم نمی‌سازد.

از نظر معتقد به ظهور امام زمان (علیه السلام) بدترین جوامع و حکومت‌ها جوامع استعمارگر و استضعاف طلب است که مردم جهان را بی‌ارزش و برده خود می‌دانند. این‌ها (منتظرین ظهور امام (علیه السلام)) جهان را برای همه می‌خواهند، اما آن‌ها جهان را و همه را برای خود. این‌ها برای همه خوشبختی و سعادت می‌خواهند و آن‌ها برای دیگران بدبختی و فقر. این‌ها بیداری و رشد فکری بشر را دوست می‌دارند و آن‌ها از بیداری و رشد فکری بشر بیمناک‌اند و تا بتوانند از آن جلوگیری می‌نمایند،

# سرسخت با دشمنان، صمیمی با دوستان

آیت الله محمد تقی مصباح یزدی

عاطفه منفی نسبت به بیگانگان و دشمنان؛ این آیه ابتدا رابطه امت پیامبر را نسبت به دشمنان ذکر می کند و این خود نکته عجیبی است و این سبک و سیاق کمتر دیده می شود. اولین وصفی که از قول تورات می آورد این است که «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»؛ در برابر دشمنان اسلام خیلی سرسخت و انعطاف ناپذیرند. ویژگی دوم این است که «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ در میان خودی ها بسیار با هم مهربان اند. اینان نسبت به پیروان اسلام عواطفی مثبت و در حد بسیار بالا دارند؛ اما درباره دشمنان خیلی سرسخت و مقاوم هستند و در برابر آن ها هیچ انعطافی نشان نمی دهند.

این دو وصفی است که در ابتدای این آیه ذکر می شود. بعد می فرماید: «تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ»؛ از مشخصات دیگرشان این است که بسیار اهل عبادت اند. آن ها را دائماً در حال رکوع و سجود و در حال جست و جوی رضای خدا می بینیم و اثر سجده در پیشانی شان ظاهر است.

برخی گفته اند منظور از اینکه اثر سجود در پیشانی شان ظاهر است این است که در روز قیامت از پیشانی شان نور می بارد. و برخی هم گفته اند منظور این است که چون بسیار روی خاک سجده می کنند اثر خاک در پیشانی شان پیداست و این نشانه کمال تواضع و کرنش در پیشگاه خدای متعال و بی اعتنایی به ظواهر دنیاست، و این گونه نیستند که به محض اینکه پیشانی شان مثلاً خاکی شد فوراً با صابون تمیز کنند. آن قدر علاقه مند به عبادت اند که این آثار در چهره شان ظاهر می شود. این مثلی است که در تورات آمده است. مثل یعنی توصیف «ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ»؛ یعنی وصف این امت در تورات این طور آمده است. ■

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»

آیه ای که تلاوت کردم آخرین آیه سوره فتح است. این آیه پیغمبر اکرم را به عنوان رسول الله معرفی می فرماید و بعد به معرفی یاران آن حضرت می پردازد. این آیه با این سبک و سیاق تقریباً منحصر به فرد است و بیشتر به بیان مشخصات پیروان پیغمبر اکرم می پردازد. ابتدا ترجمه مختصری خدای متعال در این آیه شریف دو مثل نقل می کند که قبل تر آن مثل ها را در کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل) درباره امت پیامبر خاتم بیان کرده است و این نشان دهنده این است که در کتاب های پیشین، از امت پیغمبر اکرم ذکری به میان آمده و اوصاف شان در هر یک از این کتاب ها به صورت خاصی بیان شده است. آن اوصافی که در تورات ذکر شده، بیشتر ویژگی های منش و شخصیت پیروان پیغمبر اسلام است، اما مثلی که در انجیل آمده به این نکته اشاره دارد که امت اسلامی چگونه شکل می گیرد؛ اینکه ابتدا با ضعف به وجود می آید، به تدریج رشد می کند و بعد مایه حسرت و بلکه خشم دشمنان می شود؛ بنابراین در هر یک از این کتاب های آسمانی بخشی از خصوصیات این امت بیان شده است. مثلی که در تورات آمده، این است: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ از ویژگی های شخصیتی پیروان پیغمبر آخرالزمان دو چیز است و آنان دو نوع عاطفه مثبت و منفی دارند، عاطفه مثبت نسبت به خودی ها و

## در انتظار آفتاب

اعظم خوبرو

از اربعین ابا عبدالله (سلام الله علیه) می‌شود

عهد بست؛

عهد با تو، با آخرین یادگار امامت...

با آن یک نفر از آن قوم نورانی که قرار است به نجات بشر بازگردد...

نماز صبح را که خواندم، دعای عهد را، نه فقط در برابر چشمانم، که در

برابر قلبم گشودم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أجددُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ  
عَهْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي... لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أزُولُ أَبَدًا...»

خدایا، در صبح این روز و تا زندگی کنم از روزهای حیاتم، برای آن

حضرت بر عهده‌ام، عهد و پیمان و تجدید بیعت می‌کنم، از آن رو نگردانم و

هیچ‌گاه دست بر ندارم...»

از این اربعین عهد می‌بندم که چهل منزل زندگی‌ام را بندگی کنم تا

برسم به تو... به خیمه سبز تو... مرا بپذیر مولا جان، که:

درد ما جز به ظهور تو مداوا نشود

تا نیایی گره از کار بشر و نشود

کاخ ظلم و ستم افراشته سر تا به فلک

پس چرا خیمه عدل تو سراپا نشود؟

رهرو وادی تقوی و فضیلت نبود

در کف هر که بود خط تو رسوا نشود

وعده روز ظهور تو که داده است خدای

دارم امید که موکول به فردا نشود

(شعر: برشی از غزل علی اصغر یونسیان)

# خواهد آمد

وعده روز ظهور تو که داده است خدای  
دارم امید که موکول به فردا نشود  
وعده روز ظهور تو که داده است خدای  
وعده روز ظهور تو که داده است خدای

وعده روز ظهور تو که داده است خدای  
دارم امید که موکول به فردا نشود  
وعده روز ظهور تو که داده است خدای  
وعده روز ظهور تو که داده است خدای  
وعده روز ظهور تو که داده است خدای  
دارم امید که موکول به فردا نشود

# تأسیس کانون دختران زهرایه اسوه

مؤسسه فرهنگی قرآنی اسوه در نظر دارد حوزه فعالیت‌ها و دایره مخاطبینش را با تأسیس یک کانون جدید گسترش دهد.

کانون دختران زهرایی اسوه با تمرکز بر دختران نوجوان در صدد ایجاد فضای دوستانه، صمیمی و سالم در میان دخترانی است که در این کانون ثبت نام کنند.

این کانون پنجم آبان ماه مصادف با آغاز امامت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آغاز به کار می‌کند.

قصد داریم در این کانون با تعریف برنامه‌های هنری، آموزشی، تربیتی و مطالعاتی قدم مؤثری در کشف و باروری استعدادها و دختران سرزمین‌مان، شناساندن فرهنگ زهرایی و الگوی دختر مسلمان ایرانی به آن‌ها و ایجاد محیطی شاد و سالم برای دختران برداریم.

این کانون در نظر دارد فعالیت‌هایش را در بخش‌های زیر گسترش دهد:

واحد مطالعاتی

واحد شهادت

کارگروه هنر

گروه به روز

گروه پژوهش

گروه نشریه

واحد علمی

واحد رسانه

واحد گردشگری



دختران عزیز اگر علاقه‌مند به کسب اطلاعات بیشتر و یا فعالیت در هر یک از گروه‌های فوق هستید با ما در ارتباط باشید.



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

سردبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجانی

صفحه آرا: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمین (ره)

راه‌های ارتباطی با مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: [www.osveh.org](http://www.osveh.org)

درگاه الکترونیکی: <http://www.osveh.org>

کانال تلگرام: [osveh\\_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh\\_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni\\_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

نشانی: تهران - خیابان کارگر جنوبی - پایین‌تر از چهار راه لشکر - روبه‌روی دانشگاه پردیس علامه طباطبایی - کوچه شهید علی غیاثوند قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵